

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۲،  
بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۵-۹

## داستان یک داستان: بررسی شکل گیری و تحول افسانه اَرینب\*

دکتر عبدالرحیم قنات / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد<sup>۱</sup>

### چکیده

داستان مشهور ارینب را اگرچه اصلی درست نیست، اما نویسندگان و بخصوص ادیبان دوره‌های مختلف در آثار خود روایت کرده‌اند. در این مقاله روایت این داستان، دوره به دوره دنبال و آشکار شده که افسانه ارینب همانند دیگر افسانه‌ها از این سده تا آن سده و از این کتاب تا آن کتاب تغییر کرده و شاخ و برگ‌هایی تازه یافته است. آنچه عرضه خواهد شد، تحول داستان ارینب است؛ از روایت چند صفحه‌ای الامامه و السیاسة تا تبدیل آن به دفترهای مستقل داستان و دیوان‌های مفصل شعر و نقش مهم و برجسته ادیبان و شاعران در این زمینه.

**کلید واژه‌ها:** افسانه ارینب، الامامه و السیاسة، ابن حجه حموی، روضه الشهداء، تسبیح کربلا،  
زین العابدین رهنما، کرشمه خسروانی

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۱/۲۳، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰

۱. Email: ghanavat@um.ac.ir

داستان ارینب را در تاریخ اسلام شهرتی است؛ ماجرای زنی زیبا که همسر او، عبدالله بن سلام، فرماندار عراق بود و چون یزید بن معاویه عاشق او شد، معاویه شوهرش را با وعده ازدواج با دختر خود فریب داد تا وی همسر خود را طلاق داد. سپس در پی خواستگاری از او برای یزید برآمد، اما همزمان امام حسین بن علی (ع) نیز خواستگار او شد و ارینب، امام را برای همسری خود برگزید. معاویه و یزید در این ماجرا شکست خوردند و به گفته برخی از نویسندگان، یزید از همین جا کینه امام را به دل گرفت و آنچه در کربلا رخ داد، انتقام این شکست بود.

واقعیت این است که این داستان مشهور را اصل و اساسی نیست. نویسنده این سطور در مقاله‌ای مستقل به این موضوع پرداخته و آشکار کرده است که داستان و حتی شخصیت ارینب واقعی نیست و ظاهراً آنچه موجب این داستان پردازی شده، ماجرای ساده ازدواج امام حسن بن علی (ع) با هند دختر سهیل بن عمرو و همسر سابق عبدالله بن عامر بوده است که به دلیل خلط میان اسامی حسن و حسین و وجود منازعات و دشمنی‌های طولانی میان دو خاندان هاشم و عبدشمس به افسانه ارینب تبدیل شده است.<sup>۱</sup> نگارنده، این داستان را در منابع مختلف پی گرفت و سیر تغییرات آن را از *الامامه و السیاسة* منسوب به ابن قتیبه تا آثار معاصر دنبال کرد. آنچه در این مقاله خواهد آمد در حقیقت داستان تحول افسانه ارینب است؛ از روایتی ساده تا تبدیل آن به کتاب‌های داستان و دفترهای شعر.

در کتاب *الامامه و السیاسة* آمده است که یزید بن معاویه شبی نزد یکی از خدمتکارانش از معاویه گله کرد که از حال وی غافل است. معاویه یزید را طلبید و از حال او پرسش کرد. یزید گفت: من مراتب زیبایی و کمال ارینب دختر اسحاق را شنیده و مشتاق ازدواج با وی بودم. چنین نشد و او ازدواج کرد، ولی عشق او همچنان در دل من زنده است. این ارینب، دختر اسحاق، در جمال و کمال و شرف و مال نمونه روزگار بود. او با یکی از عموزادگانش به نام عبدالله بن سلام که مردی از قریش و والی عراق بود، ازدواج کرده بود.

معاویه عبدالله بن سلام را احضار کرد و با کمک ابوهریره و ابودرداء به او رساند که قصد دارد دخترش را به ازدواج وی درآورد و دخترش را نیز گفت؛ شرط قبول خود را طلاق ارینب قرار دهد. عبدالله پذیرفت و ارینب را طلاق داد، اما دختر معاویه از پذیرش ازدواج با او سرباز زد. خبر که منتشر شد، مردم به سخن آمدند که این حيله‌ای از جانب معاویه بوده است. عبدالله

۱. رک: قنوت، «خلط روایات تاریخی: افسانه ارینب»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۳-۲۵.

بن سلام نیز پی برد که در این ماجرا فریب خورده است. پس از این، معاویه ابودرداء را برای خواستگاری اَرینب به عراق فرستاد. او در عراق به دیدار حسین بن علی(ع) که بزرگ عراقیان بود، رفت و امام از او خواست تا اَرینب را با مهریه‌ای معادل آنچه معاویه برای یزید می پردازد، برای وی نیز خواستگاری کند. در مجلس خواستگاری، اَرینب به دلیل اینکه با ابودرداء از یک قبیله بود، کار خود را به او واگذار کرد. ابودرداء، حسین بن علی را ترجیح داد و اَرینب نیز پذیرفت و به همسری امام درآمد. مدتی بعد عبدالله بن سلام برای دریافت اموالی که نزد اَرینب داشت به عراق برگشت و امام که مشاهده کرد آن دو همچنان به هم علاقمندند، اَرینب را طلاق داد و گفت او اَرینب را برای زیبایی و ثروتش نگرفته بلکه خواسته بود او را برای شوهرش نگه دارد و از این کار قصد ثواب داشته است. عبدالله بن سلام و اَرینب دوباره ازدواج و تا پایان عمر عاشقانه در کنار هم زندگی کردند (ابن قتیبه دینوری، ۲۱۵-۲۲۳).<sup>۱</sup>

از کتاب *الامامه و السیاسة* گذشته، این ماجرا در آثار نویسندگان سده‌های بعد نیز گزارش شده است. یکی از قدیم‌ترین آنها ابوالقاسم عبدالملک بن عبدالله بن بدر بن حضرمی مشهور به ابن بدر بن (د بعد از ۶۰۸ق) است. او که ادیب، کاتب و شاعر دوره موحدان اندلس بود، شرحی بر قصیده معروف ابن عبدون نوشت. ابن عبدون پس از سرنگونی افسسیان به دست مرابطون (۴۸۷ق)، قصیده‌ای راثیه در ۷۶ بیت سرود و در آن از این اتفاق ابراز اندوه کرد. او در این قصیده کلیاتی از تاریخ جهان و سلسله‌های بزرگ و نیز دوره‌هایی از تاریخ اسلام را گنجانده بود، اما از شدت ایجاز، کسی قادر به فهم مطالب آن نبود. به همین دلیل، ابن بدر بن ۴۸ بیت از این قصیده را شرح کرد. این شرح به *کمامه الزهر و فریده الدهر و نیز البسامه باطواق الحمامه* مشهور است (آذرنوش، ارزنده، ۹۳/۳). ابن بدر بن در این شرح، هنگام سخن گفتن از معاویه و حیل‌های او، ماجرای اَرینب دختر اسحاق را به عنوان نمونه‌ای از فریبکاری-های او آورده است. گزارش ابن بدر بن تفاوت چندانی با گزارش *الامامه و السیاسة* ندارد (ابن بدر بن، شرح قصیده، ۱۷۴-۱۸۳). نه قصیده ابن عبدون و نه شرح ابن بدر بن بر آن، هیچ یک را از نظر تاریخی با ارزش قلمداد نکرده اند (آذرنوش، ارزنده، ۹۳/۳).

حدود دو سده بعد، تقی‌الدین ابی بکر علی بن محمد بن حجه حَمَوی مشهور به ابن حجه

۱. ابن قتیبه دینوری، ۲۱۵-۲۲۳.

(۷۷۷-۸۳۷ق) ادیب، شاعر، موشح سرا و مؤلف حنبلی مذهب عصر ممالیک (صادقی، «ابن حجّه»، ۳/۳۳۳)، در جنگی ادبی که با عنوان *ثمرات الاوراق* ترتیب داد و مجموعه‌ای از داستانهایی است که در مجالس و محافل بر سر زبانها بوده است، همین روایت را از قول ابن بدرون نقل کرد (ابن حجّه، ۲۲۹-۲۳۵). گنجاندن این داستان در این مجموعه نشانگر آن است که ظاهراً داستان ارینب در سده‌های ۸ و ۹ق در محیط زندگی ابن حجّه؛ شام و مصر، شناخته شده بوده است. روایت ابن حجّه - با تغییراتی اندک در الفاظ - همان روایت ابن عبدون است. جالب اینکه ابن حجّه در پایان روایت، خود به گونه‌ای در باره صحت آن ابراز تردید کرده و آورده است: «هكذا نقله ابن بدرون فی تاریخه والله اعلم» (همو، ۲۳۵).

این ماجرا کمتر از یک سده بعد در کتاب مشهور *روضه الشهداء* اثر ملاحسین واعظ کاشفی (د ۹۱۰ق) روایت شده است. البته گزارش کاشفی با آنچه در *الامامه و السیاسة* آمده و نیز آنچه ابن بدرون و پس از او ابن حجّه روایت کرده‌اند، تفاوت‌هایی دارد. شاید ذهن خیال پرداز کاشفی در این داستان مشهور دخل و تصرفاتی صورت داده است تا آن را در کل پذیرفتنی‌تر کند. کاشفی از حجم این داستان کاسته، با وجود این، تغییرات و دگرگونی زیادی در متن آن صورت داده است:

۱. در روایت کاشفی، هیچ کجا، نام قهرمان زن داستان ثبت نشده است.
۲. کاشفی این زن را همسر عبدالله بن زبیر - و نه عبدالله بن سلام - دانسته است. بدین صورت او از شمار شخصیت‌های مجهول داستان کاسته و عبدالله بن زبیر موجود را جانشین عبدالله بن سلام موهوم کرده است.
۳. تفاوت دیگر گزارش کاشفی با گزارش‌های قبلی این است که در گزارش کاشفی، این زن ساکن مدینه است، نه عراق. اینچنین او سعی کرده ابهامات و تردیدهایی را که در باره حضور امام حسین بن علی (ع) در این هنگام در عراق بوده، از بین ببرد.
۴. کاشفی شخصی را که به نیابت از یزید به خواستگاری این زن رفته، ابوموسی اشعری (د ۴۲، ۴۴، ۵۲ یا ۵۴ق) دانسته است، نه ابودرداء. شاید کاشفی خواسته است، با توجه به سال مرگ ابودرداء (۳۲ق) و عدم امکان ایفای نقشی از جانب او در این داستان، باز هم از ابهامات و تردیدهایی آن بکاهد و بر واقع‌نمایی آن بیفزاید.
۵. نکته جالب در گزارش کاشفی این است که بر شمار خواستگاران ارینب افزوده شده و

نام عبدالله بن عمر و ابوموسی اشعری نیز در فهرست خواستگاران آمده است (کاشفی، روضه‌الشهدا، ۲۸۱). کاشفی این چنین بر حساسیت داستان و حوادث آن افزوده است.

در سده ۱۲ق میرزا زکی ندیم مشهدی (د ۱۱۶۳ق) شاعر عصر صفویه و افسارویه که با دربار شاه سلطان حسین و نادر نزدیک بود، به توصیه عارفی به نام نورالدین گیلانی، کتاب شعری با عنوان تسبیح کربلا در ۴۵۷۰ بیت سرود (۱۱۵۸ق) (ندیم مشهدی، درّ نجف، ۱۳ از پیشگفتار طاهری). به نظر نورالدین گیلانی ریشه دشمنی یزید با امام حسین بن علی (ع) داستان ارینب بود. بر همین اساس، ندیم این ماجرا را به عنوان علت اصلی واقعه کربلا در کتاب خود گنجانده. او در ابتدا اشعار مربوط به این داستان آورده است:

گفت با من ز روی لطف شبی / یاد دارم حکایت عجبی

چون قلم گر سر عزا داری / فکر تسبیح کربلا داری

بهر تنظیم عقد آن گوهر / نیست سر رشته ای ازین بهتر

کز چه رو آن حرامزاده دون / ریخت بر خاک کربلایش خون... (همو، تسبیح کربلا، برگه

(۲۷۳)

ندیم داستان ارینب را بر اساس کتاب ثمرات الاوراق ابن حجّه حموی و تحت عنوان «حکایت ابن سلام معجزه امام حسین» در ۵۲۰ بیت به نظم درآورد و بخشی مهم از کتاب خود را به آن اختصاص داد. او در ابتدای داستان آورده است که نورالدین گیلانی:

نظم کن گفت این حکایت را / نقل پس کرد این روایت را

از کتابی که درجهان نامیست / جامعش ابن حجّه شامی است

این خبر از کتاب مذکور است / راویش از ثقات مشهور است (همانجا)

نکته جالب اینکه از این ابیات چنین بر می‌آید که گویا ندیم خود به کتاب ابن حجّه مراجعه نکرده، بلکه داستان را به صورت شفاهی از نورالدین گیلانی شنیده است و همین بخش از کتاب ابن حجّه را به شعر درآورده است. بنابراین این که برخی گفته‌اند او به توصیه گیلانی کتاب ابن حجّه را به فارسی ترجمه کرد و به نظم درآورد (ندیم مشهدی، درّ نجف، ۲۹ از پیشگفتار طاهری) درست نیست. ظاهراً به همین دلیل است که ندیم همه جا به روایت ابن حجّه وفادار نمانده و برخلاف او، عبدالله بن سلام، شوهر ارینب را والی مدینه - نه عراق - معرفی کرده است:

چون که در زمره اعظم بود / آن زمان در مدینه حاکم بود (همو، تسییح کربلا، برگه ۲۷۵) او همچنین پای عمرو بن عاص (د۴۳ق) را که حداقل پانزده سال پیش از این مرده بود، به این داستان باز کرده که معاویه او را احضار کرد و درباره ماجرای عشق یزید به ارینب و چاره این کار با او به مشورت پرداخت:

چند کس از خواص را طلبید / آصفش عمروعاص را طلبید (همو، برگه ۲۸۲)  
عمرو عاص در دیگر جاهای داستان نیز نقش دارد و هموست که به معاویه پیشنهاد می-دهد ابودرداء را برای خواستگاری ارینب به مدینه بفرستد (همو، برگه ۲۸۸).

بعضی از مطالب مندرج در گزارش منظوم ندیم مشهدی، نشان می‌دهد که منبع او اختصاصاً نقل شفاهی گیلانی از ثمرات الاوراق ابن حجه حموی نبوده و ظاهراً خود گیلانی یا ندیم، مطالبی دیگر را از اینجا و آنجا بر داستان افزوده‌اند. ندیم گاه مطالبی آورده است که در گزارش ابن حجه نیامده است. علاوه بر آنچه درباره عمروعاص گفتیم، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. عموزادگی ارینب و ابودرداء  
از قضای زمان بحسب تفاق / هست عم ارینب اسحاق<sup>۱</sup>
۲. دادن وعده ولیعهدی از طرف معاویه به عبدالله بن سلام و اقرار معاویه به این که یزید فرد بی لیاقتی برای این مقام است:  
چون در آن کار خیر جهد کنم / بعد خویشش ولی عهد کنم  
از یزید پلید مایوس است / بس که بیعار ننگ و ناموس است  
قابل رتبه خلافت نیست / لایق هیچ غیر لعنت نیست (ندیم مشهدی، تسییح کربلا، برگه ۲۸۸)
۳. سر به صحرا نهادن عبدالله بن سلام بعد از پی بردن به اینکه معاویه او را فریب داده است:

- سر بصحرا گذاشت چون مجنون / رفت گمنام با دل محزون (همو، برگه ۲۹۲)
۴. از همه جالب تر اضافه شدن قثم (قثم بن عباس) به فهرست خواستگاران ارینب است که ابودرداء هنگام دیدار با امام حسین بن علی در خانه آن حضرت، به آن اشاره می‌کند:

۱. همانجا. موضوع عموزادگی این دو، در الامامه و السیاسة مطرح شده است (رک: ابن قتیبه دینوری، ۲۲/۲).

گفت وقت ورود این کریاس / در سر ره قثیم بن عباس  
 کرد خواهش که از حکایت شور / نام او نیز من کنم مذکور (همو، برگه ۲۹۵)

داستان ندیم اجزا و عناصر اضافی دیگری نیز دارد؛ مانند سرگردانی یک ساله عبدالله بن سلام، سفرش به حج، پنهان زیستن او در مدینه و حتی شعر سرودنش در باره حال و روز خود (همو، برگه ۲۹۸) و... اینچنین شاعر سده ۱۲ق، افسانه چند صفحه‌ای اَرینب را، پر و بال داد و در ۵۲۰ بیت به داستانی مفصل تبدیل کرد. اما این نهایت این داستان نبود.

حکایت اَرینب در آثار سده‌های بعد نیز تکرار شد،<sup>۲</sup> اما در دوره‌های اخیر - بخصوص در ایران - شکلی بی‌سابقه به خود گرفت و به لونی دیگر درآمد. تا بدینجا ماجرای اَرینب جزئی از آثار و نوشته‌هایی بود که ضمن پرداختن به روایات، ماجراها و داستان‌های دیگر، به این حکایت نیز می‌پرداختند، اما در پنجاه سال اخیر اندک اندک توجه به این داستان از این فراتر رفت و گویا تحت تأثیر آثار ادبی نویسندگان معاصر عرب، ایرانیان نیز از منظری دیگر به روایات مربوط به داستان اَرینب نگریسته و چون همه عناصر لازم برای یک داستان عشقی، سیاسی، اخلاقی و... را در خود داشت، در دست بعضی نویسندگان به شکل یک رمان مفصل درآمد و آنان به کمک تخیل خود، بال و پری انبوه به آن بخشیدند. ظاهراً فضل سبق را در این عرصه زین العابدین رهنما برده است. او که در دهه ۱۳۴۰ شمسی کتابی داستانی با عنوان *زندگانی امام حسین بن علی* منتشر کرد،<sup>۳</sup> بخشی مهم از این کتاب (۱/ ۱-۱۸۶) را به داستان اَرینب اختصاص داد و با تکیه بر تخیل و مدد گرفتن از سابقه روزنامه‌نگاری خود، در بیان زندگانی امام حسین (ع)، جایگاهی مهم به این ماجرا بخشید (رهنما، ۱۸۶-۷۲/۱). رهنما اضافات و جزئیاتی را به داستان اَرینب افزود که تا پیش از او در هیچ اثر تاریخی و ادبی نیامده بود.

اگرچه رهنما با آثار و منابع تاریخی آشنا بود و در کتاب خود گاه به آنها ارجاع داده است، اما به دلیل اینکه کتاب *زندگانی امام حسین* اصولاً در قالب یک رمان تاریخی ارائه شده، آکنده از مطالبی تخیلی و در برگزیده حوادثی خیالی، ساختمانهایی خیالی، شخصیت‌هایی خیالی، نامه‌هایی خیالی و این قبیل خیالات است. در داستان رهنما، اَرینب همسر عبدالله سلام است

۲. به عنوان نمونه فرهاد میرزا معتمدالدوله در مقتل مشهور خود، *مقام زَنار و صمصام بَنار*، این ماجرا را روایت کرده است. آنچه او آورده برگرفته از *الامامه و السیاسة* است. (رک: معتمدالدوله، *مقام زَنار و صمصام بَنار*، ۲۱۷-۲۲۲).

۳. مشخصات کتابشناسی این اثر از این قرار است: رهنما، زین العابدین، *زندگانی امام حسین*، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۴۵، دو جلد در یک مجلد، ۱۲+۲۹۴+۴۶۴ص.

که پیش از نصب زیاد بن ابیه به امارت کوفه، مدتی را کفیل این استان بوده است و در وبای سال ۴۹ ق (۹) در غیاب فرماندار شهر، مغیره بن شعبه، به جای او خدمت کرده است (همو، ۱/۳۸). خانه عبدالله و ارینب پشت کاخ سعد (۹) قرار داشته است و رهنما از در یک لنگه آن که از چوب درخت خرما ساخته شده بود، داربست مو ورودی آن، چهارچوب داربست، مساحت چهارگزر در شش گز آن و... گزارش کرده است (همانجا). در کتاب رهنما، یزید پیش از ازدواج ارینب و عبدالله، برای دیدن او، دور از چشم معاویه سری به مدینه زده است (همو، ۱/۳۹). ارینب «زنی بلند بالا، سبزه بانمک، با زلفهای سیاه و گردن کشیده و سینه‌ای برجسته» بود (همو، ۱/۴۸)، «مژه های بلند و پرپشت» داشت (همو، ۱/۴۹) «چند خال آبی رنگ در میچ داشت» و در خانه «پیراهن گلی کار دمشق» در بر می کرد (همو، ۱/۴۸). رهنما همچنین از ابروهای باریک، بینی کوچک، خال کوچک سیاه کنار چشم چپ او، النگوی نازک زرینی که در دست راست داشت، خلخالهای کلفت طلائی که در پا داشت، گیسوان مشکی و پرپشتش که آنها را در پنج رشته می‌بافت و وقتی آنها را نمی‌بافت، تا کمرش می‌رسید، گزارش داده است (همو، ۱/۴۹). در داستان رهنما زیبایی و جمال و کمال او مشهور و شاعر مشهور عرب، عمر بن ابی ربیع، در وصف او شعر گفته بود (همو، ۱/۳۹).

در این داستان، ارینب در هفده سالگی با عبدالله ازدواج کرده، هنگام وقوع مشهورترین داستان زندگی اش ۲۱ سال داشت (همانجا). او در کوفه خدمتکاری به نام حسناء داشت (همو، ۱/۴۷). و در همان هنگام که همسر عبدالله بود، «مجتهد بزرگ عرب» دلباخته او شد و از عشق او سر به صحرا نهاد و دیگر کسی از او خبری به دست نیاورد (همو، ۱/۴۹). ارینب دوستی داشت به نام میثاء که خواهر حجر بن عدی بود و ارینب اخبار محرمانه حکومت را در اختیار او قرار می داد تا به حجر برساند (همو، ۱/۵۲، ۵۴، ۷۲). او حتی هنگام دستگیری حجر و یارانش، سران کوفه را برای نجات حجر، تحریک کرد (همو، ۱/۷۳).

در داستان رهنما، در هنگامه کفالت عبدالله بر امور کوفه و مشغله‌های فراوان او، ارینب گاه نامه‌هایی عاشقانه از یزید دریافت می‌کرد و شب هنگام، خیال عشق او در سر می‌پخت (همو، ۱/۸۲) و عبدالله به خاطر نداشتن فرزند، به ارینب کنایه می‌زد (همو، ۱/۸۳). رهنما در داستان خود، شرحی دقیق از جزئیات معماری کاخ سبز معاویه به دست داده (همو، ۱/۹۹-۱۰۰)؛ از درختان چنار و بید آن سخن گفته، رنگ قبای غلام معاویه را معین کرده (همو، ۱/۱۰۸) و به



قالی ایرانی که در کف کاخ پهن بوده، اشاره کرده است (همو، ۱/ ۱۲۹). رهنما آورده است که معاویه عبدالله بن سلام را پس از ورود به شام، در خانه ابودرداء اسکان داد (همو، ۱/ ۱۰۶) که در آن ناحیه ۱۶۰۰ شاگرد و طلبه داشت (همو، ۱/ ۱۵۶). او قیافه و شمایل هند دختر معاویه را نیز توضیح داده است (همو، ۱/ ۱۱۳) و قصه را چنان پیش برده که چون همان شبی که معاویه با دخترش هند سخن گفت و برای به دام انداختن عبدالله نقشه طرح کرد، دیر خوابید، سپیده دم، شیطان به خوابش آمد که برخیز و به مسجد برو (همو، ۱/ ۱۱۶-۱۲۷). رهنما به همین بهانه داستان و اشعار مشهوری را که مولوی در دفتر دوم مثنوی با عنوان «بیدار کردن ابلیس معاویه را رضی الله عنه که خیز وقت نماز است» آورده (مولوی، ۲۹۳-۲۸۵)، نقل کرده است.

در داستان مفصل رهنما، عبدالله بن سلام تحت تأثیر نقشه معاویه، همسرش ارینب را نه تنها طلاق داد بلکه سه طلاقه کرد (رهنما، ۱/ ۷۳) و پس از اطلاع از پشت پرده ماجراها، شبها خواب پریشان می‌دید (همو، ۱/ ۱۳۲-۱۳۳) و چون به کاخ معاویه و خانه ابودرداء راهش ندادند، در کاروانسرای مسافران عراقی اقامت کرد (همو، ۱/ ۱۳۳).

در کتاب رهنما، داستان ارینب و ماجرای قیام و دستگیری و قتل حجر بن عدی و یارانش مقارن است. به همین دلیل عبدالله قصد می‌کند به کوفه برود و به حجر بیوندد و چون می‌شنود که حجر و یارانش را به مرج عذراء در نزدیکی دمشق آورده‌اند، مخفیانه راهی آنجا می‌شود و در خانه راهبی نصرانی سکونت می‌کند. راهب با شربت زرشک از او پذیرایی می‌کند و عبدالله یک شب تا به صبح، داستان خود را برای او نقل می‌کند (همو، ۱/ ۱۳۴-۱۳۵). عبدالله در مرج عذراء روزها به دیدار حجر و یارانش می‌رود، شاهد گفتگوی مأموران معاویه با حجر و یارانش است و با صدای بلند علیه معاویه شعار می‌دهد (همو، ۱/ ۱۴۱). او حتی سعی می‌کند برای رهایی حجر و یارانش، گروهی از ساکنان آن ناحیه را بسیج کند (همو، ۱/ ۱۴۲). به دلیل این قبیل اقدامات و افشاگری عبدالله علیه معاویه، خلیفه تصمیم به دستگیری او می‌گیرد، اما آشنایان عبدالله او را باخبر می‌کنند و او سر به صحرا می‌گذارد (همو، ۱/ ۱۵۳). در داستان رهنما، ابودرداء و ابوهریره با هم برای خواستگاری ارینب به مدینه می‌روند (همو، ۱/ ۱۵۶) و مجلس دیدار آن دو با امام حسین بن علی (ع) که دیگران نیز در آن حضور دارند به مشاجره می‌کشد (همو، ۱/ ۱۶۱). امام در میان مجلس بر می‌خیزد و به دیدار همسرش شهربانو می‌رود و در این باره با او گفتگو می‌کند. اینچنین افسانه ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو دختر

یزدگرد ساسانی با افسانه ارینب پیوند می خورد.<sup>۴</sup> امام نقشه خود را با شهربانو در میان می نهد (همو، ۱ / ۱۷۱) (گویا به این قصد که وی از ازدواج امام با ارینب دلگیر نشود). سپس به مجلس بر می گردد و از ابوهریره و ابودرداء می خواهد ارینب را برای او نیز خواستگاری کنند (همانجا). رهنما در این قسمت به توصیف خانه پدری ارینب می پردازد و حتی از گنجشکان آن هم سخن می گوید (همو، ۱ / ۱۸۰). سرانجام، داستان را با پذیرش خواستگاری امام حسین (ع) توسط ارینب ختم می کند و از آنجا به بعد به بهانه شناخت شخصیتی که ارینب او را بر یزید ترجیح داد، به بررسی نیم قرن تاریخ اسلام می پردازد (همو، ۱ / ۱۸۷-۲۹۴؛ ۲ / ۱-۴۶۴).

ظاهراً کار رهنما بزودی مورد تقلید دیگران قرار گرفت؛ عبدالرسول خاوری خراسانی کتابی مستقل نوشت با عنوان *ارینب زیبای عرب*<sup>۵</sup> و در آن به شکلی بی سابقه به داستان ارینب شاخ و برگ داد. او در این کتاب حوادث و شخصیت های تازه ای به ماجرای ارینب افزود؛ ماجراهایی مانند خواب دیدن یزید ارینب را، ضعف و بیماری او از عشق ارینب و احضار پزشکان و پرستاران بر بالین یزید (خاوری خراسانی، ۳۸-۴۳)، احضار رئیس دیر صلیبا برای تعبیر خواب یزید (همو، ۵۳ به بعد)، سفر یزید همراه معاویه به حج و دیدن اتفاقی ارینب در مسیر حج در کاروان عراق (همو، ۷۹)، تحریک معاویه توسط مشاورش، سرجون، برای اندیشیدن تدبیری در باره این موضوع (همانجا)، در بدری عبدالله بن سلام پس از طلاق ارینب، پناه بردن او به قهوه خانه ای در دمشق، گرفتن اتاقی برای خود در طبقه بالای قهوه خانه و کار کردن او به عنوان شاگرد قهوه چی (همو، ۱۲۹).

از نکات جالب کتاب خاوری خراسانی، وارد کردن شخصیت هایی تازه در داستان است که برخی از آنها کاملاً خیالی اند. از آن جمله می توان به راهبی که رئیس دیر صلیباست (همو، ۵۳ به بعد)، قاسم خدمتکار معاویه، زهرا زن او، خیر نساء زن خواجه باشی (همو، ۱۰۲) و تاجری به نام ابن حبیب که در قهوه خانه به کمک عبدالله بن سلام می آید و به او کیسه ای زر می بخشد (همو، ۱۲۹ به بعد)، اشاره کرد.

کتاب *ارینب زیبای عرب*، در مقایسه با کتاب *زندگانی امام حسین زین العابدین رهنما*، کتابی برجسته نیست؛ نه زیبایی قلم رهنما را دارد و نه از پرداخت خوبی برخوردار است.

۴. همو، ۱۶۹. جالب اینکه رهنما خود به تردیدهای موجود در باره داستان شهربانو توجه داشته و همانجا به آن اشاره کرده است.

۵. مشخصات کتابشناسی این اثر از این قرار است: خاوری خراسانی، عبدالرسول، *ارینب زیبای عرب*، مؤسسه مطبوعاتی حسینی، تهران، بی تا، ۱۷۴ص.

ضمن اینکه در مقایسه با کتاب رهنما بهره آن از تاریخ نیز اندک است. رهنما در لابلای داستان خود، معمولاً به تاریخ هم سری می‌زند و به دلیل آگاهی از منابع تاریخی، گاه کلام خود را مستند به این منابع می‌کند و حتی خود میان مطالب منابع تاریخی و داستان خود تفکیک قائل می‌شود. از این ویژگی‌ها در کتاب خاوری خراسانی اثری نیست.

داستان اَرینب البته به اینجا خاتمه نیافت و بزودی دستمایه کار شاعران نیز قرار گرفت. شاعرانی که نه مانند ندیم مشهدی به عنوان جزئی از اثر خود، بلکه در قالب ترتیب دادن کتبی مستقل به این افسانه پرداختند. گویا اولین بار فخیم ابهری در دهه ۱۳۵۰ شمسی، کتاب شعری در این باره ترتیب داد. او در کتاب *اَرینب زیباروی عرب*، مثنوی در حدود ۲۵۰ بیت سرود و با شرح و تفصیلات و پاورقی‌هایی منتشر کرد.<sup>۶</sup> آنچه موجب توجه فخیم به این داستان شد، این بود که او نیز همانند نورالدین گیلانی و ندیم مشهدی، داستان اَرینب را عامل اصلی کینه توزی یزید نسبت به امام حسین (ع) و وقوع حادثه کربلا دانسته است:

وقایع نگاران باهوش و فرّ / در این قصه دارند غور و نظر

بر اینند کاین داستان تا ابد / یزید و معاویه را ریشه (ریش؟) زد...

یزید از دل خویش بیرون نکرد / که تا کربلا را پر از خون نکرد (فخیم ابهری، ۵۵-۵۴)

منبع ابهری مقتل قمرقاص فرهاد میرزا بود.<sup>۷</sup> او در این باره آورده است:

یکی زان حیل بشنو این داستان / ز فرهاد میرزا سر راستان

به قمرقاص خویشش نوشته چنین / که نقل است از عده ای مخبرین (همو، ۲۹)

جالب اینکه او در مقدمه کتاب آشکارا آورده است: «و قسمتی حواشی نیز بدان افزودیم» (همو، ۱۴). البته ابهری در کل به روایت قمرقاص وفادار بوده است، تنها آن را به نظم درآورده و مطالب چندانی به این روایت نیفزوده است. از جمله اضافات او این است که پس از آن که عبدالله بن سلام پی به فریب معاویه برد، در شام خطبه‌ای علیه معاویه خواند و او را رسوا کرد:

یکی خطبه ترتیب داد از شغب / خیر کرد بر شهرهای عرب

۶. مشخصات کتابشناسی این اثر از این قرار است: فخیم ابهری؛ ابوالعالم، *اَرینب زیبای عرب*، ناشر مؤلف، ۱۳۵۳، ۱۲۸ ص.

۷. پیشتر اشاره کردیم که فرهاد میرزا خود از *الامامه و السیاسة* این قتیبه استفاده کرده بود. البته ظاهراً ابهری نیز *الامامه و السیاسة* این قتیبه را در اختیار داشته و به آن مراجعه کرده است؛ او یک جا آورده است:

نوشته چنین بن قتیبه خیر / به مکتوب او *الامامه* نگر (همو، ۴۵).

زبان در زبان رفت در هر بلاد / معاویه شد مفتضح زان عناد (همو، ۴۴)  
 منظومه *ارینب زیبای روی عرب*، شعری زیبا نیست و حداکثر می‌توان آن را از نوع اشعار  
 علما قلمداد کرد که فاقد زیبایی‌های لفظی‌اند. بخش زیادی از کتاب فخیم ابهری (ص ۶۲-  
 ۱۱۲) را شرح و تعلیقات او بر اشعار خویش در برگرفته و کار او در این قسمت، گاه به  
 پرگویی کشیده است.

اخیرا کتاب شعری دیگر با عنوان *ارینب پریچهر عرب* توسط آقای محسن عباس زاده  
 منتشر شده است؛ حاوی حدود ۴۲۰ بیت که تماما به این ماجرا اختصاص دارد.<sup>۸</sup> عباس زاده  
 ابتدای کتاب خود، این داستان را واقعیتی تاریخی دانسته که در دهه آخر حکومت معاویه رخ  
 داده است (عباس زاده، ۴). ولی جالب اینکه این «واقعیت تاریخی» با روایتی که گروهی از  
 تاریخ‌نویسان نوشته‌اند نیز همخوانی ندارد. در گزارش عباس زاده - مانند اشعار فخیم ابهری -  
 عمروعاص یکی از شخصیت‌های داستان است:

شنیدستم یزید اندرجوانی / به شیدای زنی گشته روانی  
 به عمروعاص گفتا راز آن درد / که آن دلدادگی دیوانه‌ام کرد (رک: همو، ۵ و دیگر  
 صفحات)

جالب اینکه در این گزارش معاویه کم و بیش چهره‌ای مقبول دارد و در پاسخ عمروعاص  
 که خبر عشق یزید به ارینب را می‌دهد، عکس‌العمل نشان می‌دهد:  
 معاویه بگفتا او چه خواهد؟! / چنین ظلمی یقین دارد پیامد (همو، ۸).  
 ولی این عمروعاص است که برای فریب عبدالله بن سلام نقشه می‌کشد.  
 در اشعار عباس زاده، شوهر ارینب یعنی عبدالله بن سلام، همان یهودی سابق است که در  
 مدینه می‌زیست و نامش چیزی دیگر بود و چون مسلمان شد، پیامبر او را عبدالله نامید:  
 ز شوی او بود اینگونه مشهور / که باشد ناتوانی پیر و رنجور  
 شنیدستم تبارش از یهود است / که بر دین پیامبر داده او دست  
 مسلمان شد بدست آن پیامبر / به عبدالله شد نامش مخیر (همو، ۹).  
 عمروعاص به معاویه می‌گوید به عبدالله بنویسد که برای تبلیغ دین به شام بیاید و او به  
 شام می‌رود و تبلیغ دین می‌کند و آیه و حدیث می‌خواند (همو، ۱۰ به بعد). بعد برای او شرط

۸. مشخصات کتابشناسی این اثر از این قرار است: عباس زاده محسن، *ارینب پریچهر عرب*، نشر مجتهد، کاشان، ۱۳۸۷، ۴۰ ص.

تعیین می کنند که برای ازدواج با دختر معاویه اول باید ارینب را طلاق دهد و پس از عقد دختر معاویه نیز تا شش ماه حق ندارد با او دیدار کند:

بر آن مشروط کو هرگز نباید / به شش ماهی به نزد او درآید

دگر شرطش بود ترک ارینب / طلاقش را دهد مکتوب، آن شب (همو، ۱۲)

در گزارش عباس زاده، معاویه با همین شرط دخترش را به عقد ازدواج عبدالله بن سلام در می آورد، سپس عمروعاص برای خواستگاری ارینب برای یزید، راهی مدینه می شود و جالب اینکه در ابتدای ورود به خانه امام حسین بن علی (ع) می رود:

چو بر شهر مدینه او در آمد / به منزلگاه مولا اول آمد (همو، ۲۱-۲۰)

نکته جالب در گزارش عباس زاده این است که علاوه بر یزید و امام، عمروعاص خود نیز خواستگار ارینب می شود و به او ابراز می دارد:

یزید اول بود از عشق تو زار / به دوم بنده دارم بر تو اصرار

و اما سومی گویم حسین است / که بر ختم رسولان نور عین است (همو، ۲۶)

در این منظومه، پس از ناکامی مأموریت عمروعاص، دختر معاویه درخواست طلاق می کند و عبدالله بن سلام هم براحتهی او را طلاق می دهد (همو، ۳۳). نکته جالب دیگر اینکه برخلاف گزارش های رایج، امام در پایان کار به عبدالله سلام که به مدینه برگشته، ابراز می دارد که اصولاً طلاق ارینب صحیح نبوده و او نیز با ارینب ازدواج نکرده بلکه او را به عنوان میهمان، در خانه خود نگهداشته است:

طلاق اینچنین صحت ندارد / که بر ظلم و ستم صحه گذارد

در این مدت یقین در منزل من / چو مهمانی اقامت دارد این زن (همو، ۳۹-۳۸)

کتاب شعر/ارینب پریچهر عرب، به لحاظ فنی و زبانی، اثری بسیار ضعیف و سست است. بدون شک اشعار عباس زاده را می توان در میان آثار شعرایی که داستان ارینب را به نظم در آورده اند، ضعیف ترین آنها قلمداد کرد. در اشعار فوق می توان نمونه هایی از این ضعف و سستی را دید.

یکی از آخرین و در عین حال متفاوت ترین آثاری که درباره ماجرای ارینب به زبان فارسی منتشر شده، نمایشنامه ای است به نام کرشمه خسروانی؛ در سه پرده، اثر نویسنده معاصر سید

مهدی شجاعی.<sup>۹</sup> نکته جالب اینکه در این نمایشنامه ارینب به زنی به نام زینب تغییر نام یافته که دختر اسحاق موصلی است. دیگر شخصیت‌های این نمایشنامه نیز عبارت‌اند از یزید، رفیق بصری (دوست و مشاور معاویه)، معاویه، عبدالله سلام، اسحاق موصلی، ابوهریره و ابودرداء. در نمایشنامه شجاعی، یزید برای شکار به صحرایی میان شام و عراق رفته و در آنجا زینب را همراه شوهرش عبدالله سلام که والی عراق است، بر سر آبی می‌بیند و دل به او می‌بندد (همو، ۱۱ به بعد). سپس خود را به بیماری می‌زند و معاویه رفیق بصری را که دوست و مشاور او بوده و از طب نیز سررشته داشته به بالین او می‌فرستد. معاویه عبدالله را به شام احضار می‌کند و او مسیر عراق تا شام را در یک روز و نصف می‌پیماید (۱۹) و خود را به شام می‌رساند (همو، ۴۸). بقیه ماجرا تفاوت چندانی با داستان ارینب در آثار دیگر ندارد، اما نکات جالبی نیز در آن وجود دارد: در نمایشنامه شجاعی، معاویه هیچ‌گاه عبدالله سلام قرشی را که خود او والی عراق کرده، به چشم ندیده است (همو، ۴۹)، دختر معاویه موجودی خیالی است و معاویه جز یزید فرزندی دیگر ندارد (همو، ۱۳۲)، ابوهریره در شام نیست بلکه از مکه به شام می‌آید (همو، ۵۸). او در دوره خلافت عمر والی شده و به دلیل «عدم صلاحیت و تخلفات مفرطش» عزل شده و تازیانه خورده است (همو، ۵۵).

کتاب شجاعی مرحله تازه‌ای در بیان داستان ارینب است و این داستان منشور و منظوم را تبدیل به یک متن نمایشی کرده که به این وسیله زمینه اجرای آن نیز فراهم آمده است.<sup>۱۰</sup>

## نتیجه‌گیری

۱. کتبی که در متن مقاله برشمردیم، عمدتاً آثار و منابع ادبی هستند، اهمیت تاریخی ندارند و نویسندگان آنها نیز نه مورخ بلکه ادیب، واعظ و شاعرند: ابن بدرون ادیب و کاتب و شاعر بود. ابن حجّه حموی نیز شاعر و موشح سرا بود. کاشفی و کتاب او *روضه الشهداء* شأن تاریخی ندارند. او واعظی شهیر بود که همانند دیگر همکاران خود، معمولاً مطالب را بدون نقد

۹. مشخصات کتابشناسی این اثر از این قرار است: شجاعی سید مهدی، *کرشمه خسروانی یا مخالف بیاد به طرز همایون*، کتاب نیستان، تهران، ۱۳۸۸، چاپ دوم (چاپ اول: ۱۳۸۷)، ۱۷۴ ص.

۱۰. مادتبی پس از انتشار کتاب *کرشمه خسروانی*، در دی‌ماه ۱۳۸۹ نمایشنامه‌ای با عنوان ارینب در شهر بیرجند بر روی صحنه رفت (رک: [HTTP://OLD.IDO.IR//N.ASPX?N=13891027069](http://old.ido.ir/n.aspx?n=13891027069)). چنین به نظر می‌رسد که تا تبدیل این داستان به یک فیلم نامه و ساخت فیلم ارینب تنها یک گام دیگر باقی مانده است.

و نظر بر منبر و عظم و خطابه مطرح می‌کرد و بعداً همانها را تدوین کرد و این کتاب را ترتیب داد. ندیم مشهدی شاعر بود. روشن است که نه اثر زین العابدین رهنما و نه کتب قصه و شعر خاوری خراسانی، فخیم ابهری و عباس زاده و نه کتاب نمایشنامه سید مهدی شجاعی را نیز نمی‌توان آثار تاریخی قلمداد کرد. بر این اساس به نظر می‌رسد؛ داستان اَرینب بیش از آن که مورد توجه مورخان قرار گیرد، توجه ادباء و هنرمندان را به خود جلب کرده و دستمایه کار آنان قرار گرفته است.

۲. شماری از این آثار که جملگی به دوره‌های متأخر تعلق دارند، اصولاً منبع و مأخذی برای روایت خود ذکر نکرده‌اند، در آنها که به ذکر منبع پرداخته‌اند نیز برای ماجرای اَرینب منبعی بجز *الامامه و السیاسة، ثمرات الاوراق* ابن حَجَّه و *مقتل قمقام* فرهاد میرزا معتمدالدوله ذکر نشده است؛ اولی اثری است مشکوک که انتساب آن به ابن قتیبه دینوری نادرست است،<sup>۱۱</sup> دومی جنگی ادبی است فاقد اهمیت تاریخی و *مقتل قمقام* نیز اثری متأخر، متعلق به دوره قاجاریه.

۳. نکته مهم تغییراتی است که ماجرای اَرینب در هریک از این آثار نسبت به آثار دیگر کرده است؛ در *روضه الشهداء* عبدالله بن زبیر جای عبدالله بن سلام را گرفته، مکان داستان از عراق به مدینه منتقل شده است و آن که مأمور خواستگاری اَرینب می‌شود، ابوموسی اشعری است که خود او و عبدالله بن عمر هم به فهرست خواستگاران افزوده می‌شوند. ندیم مشهدی پای عمرو بن عاص را به داستان باز کرده، بدون اینکه متوجه باشد که تاریخ مرگ عمرو سال ۴۳ق است و حتی به فرض درستی داستان اَرینب، عمرو نمی‌توانسته سالها پس از مرگش در آن نقشی ایفا کند. دادن وعده ولیعهدی به عبدالله بن سلام، سر به صحرا نهادن و شعر گفتن او نیز از مطالبی است که حتی در *ثمرات الاوراق* ابن حَجَّه که ندیم آن را به عنوان منبع خود معرفی کرده، نیامده است. آنچه در کتاب *زندگانی امام حسین بن علی* زین بن العابدین رهنما به اصل روایت اضافه شده و پس از او در کتابهای قصه و شعر و نمایش آمده است نیز ریشه تاریخی ندارد و حاصل تخیل محض قصه‌نویسان و خیال‌پردازی شاعران است.

بر این اساس داستان غیر مستند و مخدوشی که اولین بار در کتاب *مجهول المؤلف الامامه* و

۱۱. در باره نادرستی انتساب این کتاب به ابن قتیبه و سستی مطالب آن بخصوص ضعف‌ها و تناقض‌های موجود در داستان اَرینب رک: قنوت، «خلط روایات تاریخی: افسانه اَرینب»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۵-۳.

السیاسه گزارش شده بود، در گذر زمان دستمایه کار ادیبان، شاعران و قصه نویسانی قرار گرفت که بدون توجه به غیرواقعی بودن آن، نه تنها به نقل آن پرداختند، بلکه هریک، شخصیت ها، ماجراها، مکانها و شاخ و برگ هایی دیگر به آن افزودند. افسانه ارینب اینچنین در تاریخ ساخته و پرداخته شد.

### کتابشناسی

- آذرنوش، آذرتاش، ارزنده، مهران، «ابن بدرون»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- ابن بدرون، شرح قصیده ابن عبدون، مصحح راینهارت دزی، مطبع الاخوین، بی جا، ۱۲۲۵ق/ ۱۸۴۶م.
- ابن حجره، تقی الدین علی بن محمد، *ثمرات الاوراق*، صححه و قدم له محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۷۱م.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، *الامامه و السیاسه*، تحقیق علی شیری، دارالأضواء، بیروت، ۱۹۹۰.
- خاوری خراسانی، عبدالرسول، *ارینب زیبای عرب*، مؤسسه مطبوعاتی حسینی، تهران، بی تا.
- رهنما، زین العابدین، *زندگانی امام حسین*، مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.
- شجاعی، سید مهدی، *کرشمه خسروانی یا مخالف بیداد به طرز همایون*، کتاب نیستان، تهران، ۱۳۸۷.
- صادقی، مریم، «ابن حجره»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- عباس زاده، محسن، *ارینب پریچهر عرب*، نشر محتشم کاشانی، کاشان، ۱۳۸۷.
- فخیم ابهری، ابوالعالم، *ارینب زیبای عرب*، ناشر مؤلف، ۱۳۵۳.
- قنوات، عبدالرحیم، «خلط روایات تاریخی: افسانه ارینب»، *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- کاشفی بیهقی، کمال الدین حسین، *روضه الشهداء*، تصحیح و تحشیه محمد روشن، صدای معاصر، تهران، ۱۳۹۰.
- معمدالدوله، فرهاد میرزا، *قمقام زخار و صمصام بتار*، تصحیح سید محمود محرمی زرنندی، واحد انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۳۶۳.
- مولوی، جلال الدین محمد، *مثنوی معنوی*، به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۴.



ندیم مشهدی، تسییح کریلا، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۸۰.  
-----، درّ نجف، با تصحیح و مقدمه طاهره رحمانی، آستان قدس رضوی، مرکز خراسان  
شناسی، مشهد، ۱۳۷۹.

[HTTP://OLD.IDO.IR//N.ASPX?N=13891027069](http://old.ido.ir/n.aspx?n=13891027069)